

متن پرسش

سلام. حضرت استاد پس از دغدغه ای که برایم در جهت ارائه درست و جایگاه شریعت در هستی و نحوه کارکرد آن در نظام تکوین و انسان پیش آمدباری دیگر کتاب چه نیاز به نبی و خطرمدادی شدن دین و... را مطالعه کردم تا نکاتی را برای دوستان که سخت گرفتار اعتباری بودن احکام شریعت و قائل به عصری شدن دین بودند بیان کنم. خوشبختانه توانستم تا حدودی برخی را متوجه باطن دار بودن احکام شریعت کنم و نظرشان را به عالم غیب و معنا که اصل ایمان است معطوف کنم اما بیشتر تاثیرگذاری من در باب اعما فردی و به عبارت اخری عبادت نظیر نماز و روزه و وضو و.. بود و جنبه ی اجتماعی احکام اسلام به شدت مورد هجمه قرار گرفت که آن احکام تابع شرایط و تمدن آن زمان دنیا و حتی برای فرهنگ خاص عربی بوده است و می توان با توجه به اقلیم ها و شرایط تمدنی خاص این احکام تغییر کند. مثلا این بحث مطرح شد که زکات و خمس و اینها شاید می توانسته نظام اقتصادی آن زمان را تامین کند ولی نباید بر روی این قواعد و احکام تبحر پیدا کرد که اینها دارای باطنی غیبی هستند پس بنابراین غیرقابل تغییر و باید مثلطبق حکم اسلام زکات به انعام ثلاثه و غلات اربعه و نقدین تعلق بگیرد بلکه با سیستم های اقتصادی امروز هیچ فایده ای در جهت تامین نیازهای اقتصادی مسلمین نمی کند بلکه ایشان را هر روز در اعماق عقب افتادگی می اندازد. یعنی اینها حکم به دادن زکات و متعلقات آن و جایگاه مصرف آن را تنها تامین نیاز اقتصادی میدادند و اگر این غرض تامین نشد پس نتیجه می گیرند که این اعمال منسوخ شده و باید قوانین نوعی بنا شود. آیا حکم به دادن زکات به عنوان مثال تنها جهت تامین نیاز اقتصادی جامعه بوده و یا مثلا حقیقتی غیر از این دارد و مათنها با عقل جزئی خود این محسوس را می فهمیم و دیگر حکمت هایی که امر به این سنخ احکام شریعت شده را نمی دانیم؟ اگر دارای باطن و حکمت هایی غیر از ظاهر آن می باشند لطفا توضیح دهید. و اما بعد. اگر قائل به باطن دار بودن این سنخ از احکام شدیم ولی غرض ابتدایی و ظاهری آن که مثلا تامین نیاز اقتصادی مسلمین بود بر طرف نشد این مشکل پیش می آید که برای این غرض باید چه کرد و چرا اسلام چاره ای نیندیشیده؟ و اگر اندیشیده پس قابلیت اجرا نداشته که مسلمین هیچ گاه نتوانسته اند با این قوانین جامعه را به درستی اداره کنند. حرف در این باره زیاد است ولی چه میشود کرد که بیش از این انگشتان من تاب تایپ ندارند و شما خود هرچه صلاح می دانید بفرمایید تا بنده بتوانم استفاده کنم. یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این که می‌فرمایید قوانین اقتصادی قابلیت اجراء نداشته و گرنه اجراء می‌شد؛ عنایت داشته باشید این وظیفه‌ی مسلمانان است که اگر احکام شریعت الهی را حق می‌دانند تلاش کنند در زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کنند تا نتیجه‌ی لازم را ببرند. تعجب بنده از این جا است که مگر آنچه امروز به نام اقتصاد در سطح دنیا جریان دارد توانسته مشکل بشر را حل کند؟ آیا این که بشریت برای زندگی دنیایی خود باید این همه تلاش کند تا زندگی‌اش تا حدی تأمین شود و در کنار آن دولت‌ها و سرمایه‌دارها هرطور خواستند فرمان برانند را ما اقتصاد سالم می‌دانیم؟ یادم هست چند سال قبل عده‌ای از اقتصاددان‌ها تحقیق کردند اگر زکات اسلامی در جامعه اجراء شود □ عنایت داشته باشید زکات را حاکم باید اخذ کند به اختیار مردم نیست که اگر خواستند بدهند □ با همان قواعدی که اسلام فرموده نه تنها هیچ مشکلی در جوامع اسلامی نخواهیم داشت، بلکه از حکومت بیرحمانه‌ی دولت بر مردم که یکی از آفات اقتصاد امروز جهان است، نجات می‌یابیم و بحث خمس هم که عموماً مربوط به امور فرهنگی است و تعالی دینی جامعه نقش خود را ایجاد می‌کند. آری دین روشن کرده اگر در زمانی زکات به خاطر مشکلی خاص کفاف امور را نداد به چیزهای دیگر □ به حکم ثانوی □ مالیات بسته شود. همان طور که علی «علیه‌السلام» در زمانی به اسب‌ها نیز مالیات بستند. در هر حال خوب است از یک طرف خلأهای اقتصادی موجود جهان را □ به خصوص در رابطه با حاکمیت بیرحمانه‌ی دولت‌ها □ بررسی بفرمایید و از طرف دیگر روح انسانی بودن اقتصاد اسلامی را هم بررسی کنید تا مطمئن شوید تنها راه برگشت به اقتصاد اسلامی است آن هم در بستری که فرهنگ معنوی اهل‌البیت «علیهم‌السلام» حاکم باشد و نه فرهنگ اموی و عباسی و یا فرهنگ غرب‌زده‌ی قاجار. موفق باشید